

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

تنظیم و ویرایش: AA-AA

دریای هیرمند

(از خاطرات گذشته دور)

این پارچه شعر، در کنار دریای خروشان هیرمند سروده شده است:

ای خروشنده آبهای روان	وی غریونده موج بی پایان
ای پناهنده در بر هلمند	وی نماینده دوصد حرمان
همچو من ترسناک و لرزنده	همچو من رهسپار و سرگردان
در سر توست رازهای مهیب	در دل توست رمزهای نهان
بس خموشانه می روی ز نظر	بس خروشنده می کنی طغیان
در دلت گنجهای اسرار است	که به من گشته از لب تو عیان
"فرخی" با تو رازها گفته	"بیهقی" از تو کرده است بیان
رفته ای، با تو رفته اند همه	می روی با تو می رود همگان
ای که من آشنای این وادی	وی مهین رهسپار این سامان
می توانی کزان شکوه قدیم	شمه ای باز آوری به زبان؟
که کجا شد سلاله محمود	به کجا رفت شان و شوکت شان
سعد و مسعود و احمد و محمود	شاه و دربار و نوکر و دربان
به کجا رفت و از چه ویران شد	این زمان آن بنای والاشان

نی ترا این توان و قدرت نیست پَرَو و باز برمگردد و نمان
اگر از رفتگان نمی‌آری!!! اینک از بودگان بیر آسان
تو بمانی؛ و ما؛ نمی‌مانیم!!!
آری این است، چرخ را پیمان

(م. نسیم «اسیر» - لشکرگاه، هلمند، ۱۵ میزان ۱۳۳۴ ش)